

خصایص ایرانیان

در میان صفاتیکه هر یک از افراد مردم دارا میباشد پارهٔ صفتها هست که بر صفات دیگر او غالب است یعنی آنها را در زیر نفوذ خود گرفته در سایه میگذارند. این صفات غالبه را صفات بارزه مینامند مثلاً وقتیکه ما مدتی با یک شخص مراودت و معاشرت میکنیم این صفات بزودی و پیش تر از همه نظر دقت ما را جلب کرده در اعمال و افکار آنشخص ظهور و بروز میکنند و طرز زندگانی و درجهٔ عقل و کمال او را نشان میدهند و بوسیلهٔ این صفات بارزه ما آن شخص را می شناسیم و بدیگران معرفی میکنیم چنانکه هر وقت از اخلاق و چگونگی او کسی از ما بپرسد میگوئیم مثلاً فلان آدم با سخاوت و کارکن است و یا با هوش و در ستکار است و یا لا ابالی و بیشعور است و یا متدین و با عفت است و یا بعبارتهای دیگر که اخلاق امروزی در میان ما معمول کرده است میگوئیم فلان کارچاق کن و قولچوماق است و یا ناقلا و متقلب است و یا صاحب استخوان و کله شق است و یا چاپلوس و بادنجان دورقاب چین و زرنگ (زیرک) است. مقصود از این معرفی ها این است که درین شخص این صفتها بر صفات دیگر او غالب است و اعمال و حرکات و افکار او را در دورهٔ زندگانی اداره میکنند.

همینطور است حال ملتها و اقوام. هر یک ازینها نیز پارهٔ صفات دارد که با گذشتن قرنها و سرزدن انقلابها عوض نمی شوند و اثرات آنها همیشه در حیات سیاسی و اجتماعی آنها باقی میماند چنانکه سخاوت در قوم عرب و رشادت در ملت ترک و ذکاوت و اخذ جرّ در قوم یهود و متانت

و استقامت در نژاد آنگلو ساکسون و ریاضت و عظالت در ملل هند و ظرافت و حدت در اقوام لاتینی در تمام دوره های تاریخی نمایان بوده است. این صفات عبارت از خصایص نژادی وارثی و یا اخلاق اجتماعی ملتهاست که ما آنها را صفات بارزه ملل مینامیم و درینجا میخواهیم صفات بارزه ملت ایران را معرفی بکنیم.

وقتی که صفات اجتماعی ملت ایران را میخواهیم در نظر بگیریم باید صفات فرد فرد ملت ایران را بکنار بگذاریم چونکه اخلاق انفرادی غیر از اخلاق اجتماعی است. در میان این صفات اجتماعی که ملت ایران را معرفی میکند سه صفت ممتاز پیدا میکنیم که همیشه مایه امتیاز و صفات بارزه ملت ایران بوده است. ازین سه خصایص اولی ذکاوت و دومی قوه تقلید و سیمی تشبث شخصی است.

اگر صفحات تاریخ ایران را با دقت تمام و با بصیرت کامل تدقیق بکنیم و اگر اعماق روح اجتماعی و اسرار انقلابهای سیاسی ایران را کنجکاوی بکنیم می بینیم که این سه صفت ممتاز در تمام دوره های تاریخی ایران حکمرانی کرده است. اگر اخلاق اجتماعی و احوال روحی ایران امروزی را هم از پیش نظر دقت بگذرانیم می بینیم که ایران دارای هوش و ذکاوت و قوه تقلید و تشبث شخصی است. ذکاوت ایران حتی در اطفال و دهاتیان ایران نیز ظاهر و جلوه گراست. بارها معلمین اروپائی از ذکاوت بچه های ایرانی اظهار تمجید و حیرت کرده اند و حتی تجار و ارباب حرفت ایران نیز در رشته امور خود همیشه نمونه ذکاوت و تیز هوشی و لیاقت بوده اند. ظهور اینهمه مذاهب و طریقه های مذهبی و اخلاقی که صفحات تاریخ ایران را پر واز خون هزارها نفوس رنگین

کرده‌اند دلیل بزرگی بر ذکاوت و قوه تقلید و استعداد تجدّد ایرانی است. این همه انقلاب‌های سیاسی و استیلاها و تغییرات سلطنتی که در ایران از زمان دیرین تا کنون سرزده است همه برهانی است بر قوت تشبّث شخصی ملت ایران. این تشبّث شخصی قوه ایست که ایرانی را بکار کردن با استقلال و امیدارد و از پرتو همین قوه است که ایرانی همیشه میکوشد سرور و آمر باشد نه زیر دست و مأمور و از نفوذ همین قوه است که ایرانی جهانگرد است و به هر یک از نقاط روی زمین پای ایرانی رسیده و در هر گوشه آن بچند نفر ایرانی تصادف میتوان کرد.

این سه صفت منبع ترقی و اساس تعالی هر ملت میتواند بشود. ملت انگلیس از پرتو این صفتها است که مالک رقاب این همه ملتها و مملکتها گردیده است. حکمای علوم اجتماعی پرورش دادن این صفات را در اطفال توصیه میکنند و ملتهائرا که دارای این قوه‌ها هستند قابلترین ملتها برای تجدّد و تمدن میدانند.

درینحال چگونه میشود که ملت ایران با اینکه از نعمت این سه صفت بزرگ و این سه قوه سترگ بهره مند است گرفتار این همه خرابی و پریشانی و خواری است. حکمت این وضع را در مقاله ذیل شرح میدهم.

عناصر ترقی در فطرت ایرانی

در صورتیکه این سه صفت یعنی ذکاوت و استعداد تجدّد (قوه تقلید) و تشبّث شخصی ضامن خوشبختی و ترقی هر ملت میتواند بشود و در صورتیکه ایرانی ازین سه قوه بهره کافی دارد علت اینکه این سه قوه اسباب ترقی سهل است که مایه خرابی و پریشانی ایران گردیده این است